

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

تیمورشاه تیموری

برگِ خزان

تک برگِ خزانم که از شدت سرما
رنگ و رخ خود باخته در شاخ خزیدم
تا باد خزان لشکر خود بر سر من تاخت
پژمرده شدم زین ستم و سینه دریدم
آن سیلی محکم به رُخم باد خزان زد
بس نوحه کنان زد
چون یک ورق خشک بماندم به سر دار
حیران ازین کار
این دست قضا بود، بی چون و چرا بود
کاین لاشه نیم جان بپاید به سر دار
با محنت بسیار
آن روز که گلها همه در باغ و چمن بود
شادابی من بود
صد ناله لاهوتی ز هر مرغ چمن بود
آرامی من بود
آبشار جوان ناله کنان در ته من بود
چشم همگان بر ورق سبز چو من بود
صد قمری و فاخته چون عاشق دلباخته

بر شاخهٔ سرسبز گه‌ریار نشسته
بلبل به نوا بود، گل پر ز ادا بود
غنچه چو لب یار به آغوش سمن بود
خوش بختی من بود
مرغان همه رفتند، یاران همه رفتند، خوبان همه رفتند
بدبختی من در شب تاریک سیاه، سرد و غضبناک دمن بود
بر شاخ کهن بود

(المان - ۲۰ نومبر ۲۰۱۱)